

از فرط بیخوابی

نگاه از پشت شیشه مات

مهرداد حجتی

● زمانی مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه دولت کلینتون، گفته بود: «یقین دارم گوشه‌ای از جهنم متعلق به زنانی است که به زنان دیگر کمک نکردند»، اما برعکس آن هم صادق است که می‌توان یقین داشت گوشه‌ای از بهشت از آن زنانی است که به زنان دیگر مدد رسانده‌اند. نظیرش در بسیاری از نقاط دنیا هست و ای‌بسا در ایران خودمان که زنان برجسته‌ای در بسیاری از امور از مردان جلو زده و چهره‌ای قابل‌تقدیر از خود به نمایش گذاشته‌اند. برای فهم این موضوع باید تاریخ را ورق زد و قدری به گذشته بازگشت؛ به دورانی که زنان از هیچ امتیاز اجتماعی‌ای برخوردار نبوده و سال‌های سال از هرگونه امکان اجتماعی محروم بوده‌اند. در دوران پرمسئله حکومت پادشاهان قاجار، زنان به پستوها رانده می‌شدند تا مردان با فراغ بال به امور خود برسند! تحقیر زنان در آن حد بود که پادشاهان حرمسرای بزرگ برای خود تدارک می‌دیدند و زنان بسیاری را برای خلوت خود در یک جا گرد می‌آوردند! داستان‌های بسیاری از آن دوران نقل شده است که بیشتر موجب سرافکندگی و شرمساری است؛ شرمندگی مردان در برابر تحقیری که بر زنان رفته است. در دوران پهلوی اول، اما شرایط تا حدودی به دلیل فراهم‌شدن امکان تحصیلات عالی تغییر کرد. مردان تحصیل‌کرده ترجیح می‌دادند همسرانشان هم تحصیل‌کرده باشند و همین اصرار به تحصیل زنان موقعیت تازه‌ای را در جامعه پدید آورد. زنان تحصیل‌کرده برای خود انجمن‌هایی را تأسیس کردند و فعالیت‌هایی را در پیش گرفتند. یکی از نخستین انجمن‌ها «انجمن نسوان وطن‌خواه» بود که در همان دوران شکل گرفت. چهره‌های سرشناسی به عضویت آن درآمدند و مردان سرشناسی هم از آن حمایت کردند. از جمله زنان سرشناس عضو آن انجمن می‌توان به «فخرالملوک وزیری» اشاره کرد که در زمان خود یکی از برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین چهره‌ها بوده است و از میان مردانی که از آن انجمن حمایت می‌کردند می‌توان به «میرزاده عتیق» اشاره کرد که برای آنها نمایش‌نامه نوشت و تشویق شان کرد که آن نمایش را در «پارک اتابک» روی صحنه ببرند. زنان همین انجمن نشریه هم منتشر می‌کردند. همه این‌فعل‌وانفعالات در حالی بود که هنوز بخش‌های عمده‌ای از جامعه در برابر «عرفی‌شدن» فعالیت زنان «از خود مقاومت نشان می‌داد؛ اما آنچه آن تلاش‌ها را به ثمر می‌رساند، حمایت زنان و مردان روشنفکری بود که خواهان تغییر وضعیت موجود بودند، چنان‌که آن وضعیت تغییر کرد و سال‌ها بعد زنان علاوه بر امکان تحصیل برابر با مردان امکان اشتغال برابر با مردان را هم یافتند. حضور اجتماعی زنان زمان پرنگ‌تر شد که آنها در سال ۵۷ به خیابان آمدند و دوش‌به‌دوش مردان تظاهرات کردند. حالا دیگر تابو یک‌به‌یک شکسته می‌شدند و زنان با حمایت مردان برای شکستن تابوهای دیگر برمی‌داشتند. تظاهرات خیابانی زنان جلوه‌ای تازه از حضور زنان در عرصه بوده، حضوری «سیاسی – اجتماعی» که موقعیت آنها را مستحکم‌تر می‌کرد. رهبر انقلاب هم در بیانیه‌هایی که از «نوفولشاو»ی فرانسه صادر می‌کرد، زنان و مردان انقلابی را خطاب قرار می‌داد و همه را به یک چشم مسئول سرنوشت کشور می‌دید. جسارت زنان تا آنجا جلو رفت که در روزهای فتح پایتخت، پس از ۲۲ بهمن ۵۷، اسلحه به دست گرفتند و پایه‌های مردان از پایتخت سنگربانی کردند؛ اتفاقی که یکی، دو سال بعد در حراست از خرمشهر افتاد و گروهی از زنان خرمشهری در کنار مردانشان با اندک مهملاتی که در اختیار داشتند در برابر تجاوز بعثی‌ها ایستادند و در نهایت جان خود را از دست دادند. زنان در تمامی این سال‌ها ثابت کرده‌اند که همواره در همه صحنه‌های سخت حضور داشته‌اند و هیچ‌گاه هم پا پس نکشیده‌اند. نمونه‌اش سهم‌خواهی آنان برای برعهده گرفتن مسئولیت‌های دشوار است؛ از نمایندگی در شوراهای شهر و روستا گرفته تا نمایندگی مجلس و وزارت. همه نه از روی جاه‌طلبی و قدرت‌خواهی که بیشتر از سر مسئولیت‌پذیری است. هنوز گروهی هستند که تصور می‌کنند زنان در قیاس با مردان در رتبه پایین‌تری قرار دارند و از عهده مسئولیت‌های مهم برنمی‌آیند. واقعیت امر چنین نیست. با مرور تاریخ چند دهه اخیر به‌راحتی می‌توان فهمید که بسیاری از مردانی که به وزارت رسیده‌اند هیچ‌گاه در قواره یک وزیر شش‌دانگ ظاهر نشده‌اند. برخی‌شان تحصیلاتشان با مسئولیتی که برعهده گرفته‌اند ارتباطی نداشته است و برخی دیگر اساسا تا پیش از نشستن بر کرسی وزارت هیچ مسئولیتی را ولو در حد کم عهده‌دار نبوده‌اند! آیا در تمام آن سال‌ها فرد شایسته‌ای در میان زنان درخسور آن مقام پیدا نمی‌شده؟ به‌عبارتی در هر شرایطی مرد بی‌بلافت و بی‌سوادتر را به زن بلابافت و بی‌سوادتر ترجیح می‌داده‌ایم! می‌توان فراخ از هرگونه تعصب جنسیتی به قفا نگریست و درباره بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها بازنگری کرد. آیا واقعا حق مطلب را درست ادا کرده‌ایم و از عملکرد خود در برابر تقسیم وظایف دفاع می‌کنیم؟ جامعه پویست‌انداخته ایران امروز آشکارا نشان‌دهنده‌ای تغییر خود را در هر نمایش بزرگ اجتماعی به رخ کشیده است. سهم بزرگ این نمایش‌ها متعلق به زنان آگاه این جامعه است که پایه‌ای مردان تغییرات را رقم زده‌اند؛ از مدرسه و دانشگاه گرفته تا شوراهای شهر و روستا، از کارگاه و کارخانه گرفته تا معاونت‌های سنگین.

شرق، گروه ادبیات: هزارگان شهرکتاب برگزار شد. به‌مناسبت هزارمین نشست و درس‌گفتار مرکز فرهنگی شهرکتاب در روز سه‌شنبه دهم مرداد، اصحاب فرهنگ و اندیشه و مدیران فرهنگی مرکز فرهنگی شهرکتاب گردهم آمدند تا استمرار ده سال‌واندی کار فرهنگی این مؤسسه را به‌جشن بنشینند. در این مراسم رضا صالحی امیری، وزیر فرهنگ‌وراشاد اسلامی، رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم، سیدمحمود دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات، علی‌اکبر اشعری، رئیس سابق کتابخانه ملی، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه، حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، کوروش کمالی سروسستانی، رئیس مرکز سعدی‌شناسی، داوود موسایی، مدیر انتشارات فرهنگ معاصر، مهدی فیروزان، مدیرعامل شهرکتاب و علی‌اصغر محمدخانی معاون فرهنگی این مؤسسه و نویسندگان و مترجمانی چون امیرعلی نجویان، ، بلقیس سلیمانی، محمدمهدی اردبیلی، مجید قیصری، درباره فعالیت‌های مرکز فرهنگی شهر کتاب سخن گفتند. وزیر فرهنگ و ارشاد، در سخنانی انتقادی نسبت به وضعیت فرهنگ، از «تاخر فرهنگی» ما سخن گفت و شاید جالب‌ترین نکته این نشست فارخ از گرامیداشتِ استمرار حرکتی فرهنگی که چندان در جامعه ما عادت نیست، همین رویکرد انتقادی و تندوتیز وزیر نهادی است که خود مسئولیت تمثیت امور حوزه فرهنگ را برعهده دارد. صالحی امیری اما ترجیح داد در این نشست در جایگاه منتقد، در کنار اهالی فرهنگ بایستد و از دورنمای نامعلوم فرهنگ سخن بگوید. او بااشاره به تأثیر شهرکتاب در تحولات فرهنگی گفت: «ما در مسیر تحولات و تغییرات گسترده‌ای قرار گرفته‌ایم که سرعت، حجم، شتاب، گستره و عمق تغییرات بیشتر از تدابیر ما است. ما نظاره‌گر حرکت قطاری هستیم که در فرآیند حرکت آن هیچ نقشی نداریم. این شاید مهم‌ترین مسئله نظام فرهنگی در دهه چهارم انقلاب باشند. اساساً جامعه نجبگان ما، عمدتا توصیف‌گر، تبیین‌گر در گذشته بوده است. ما در توصیف موفق هستیم، اما کمتر منبعی تا امروز در اختیار ما قرار گرفته که روند تحولات آینده جامعه را دست‌کم برای یک دهه آینده به تصویر بکشد. ما درباره یک دهه آینده نمی‌توانیم راحت سخن بگوییم. سؤال این است که در انتهای دهه چهارم یا در دورنمای ۱۴۰۴ ساختار گفتنمان فرهنگی خوب وی در جامعه چگونه خواهد بود و نسبت آن گفتمان با گفتمان رسمی کجا است؟» وزیر ارشاد معتقد است ما درک روشن و عمیقی از ابعاد تحولات نداریم زیرا هنوز نتوانسته‌ایم نسبت بین فرهنگ و دولت را به‌درستی تبیین کنیم. «فرهنگ همچنان در سطح نظام دولتی به‌عنوان نظامی فریه باقی مانده و این نوع حرکت گم‌گام که به گسترش شکاف در سطح رسمی و غیررسمی منجر خواهد شد. از دیگرسو دچار نوعی مناسک‌گرایی افراطی در حوزه فرهنگی هستیم و به‌دلیل رویکرد مناسک‌گرایی همچنان در فضای کمی‌گرایانه زیست می‌کنیم و به تحولات اصلی جامعه کمتر وارد

می‌شویم. باید پرسید این مناسک چه‌میزان در فرآیند معرفتی و اخلاقی جامعه ایران اثرگذار بوده است؟ سنجش‌ها و رصدهای میدانی تغییرات عمده‌ای را به ما نوید نمی‌دهد. از این منظر باور دارم ما نیازمند تحول فکری و گفتمانی هستیم در نظام فرهنگی‌مان از منظر عبور از فضایی کمی‌گرایانه به فضای کیفی‌گرایانه، از فضای مناسکی به فضای معرفتی، از سطح به عمق و از تبلیغات و همایش به انسان‌سازی و تربیت انسانی. ما دچار تاخر فرهنگی هم هستیم.» وزیر ارشاد کانون‌هایی هم‌چون شهرکتاب را نماد کانون‌های موفق در برقراری ارتباط معرفتی با جامعه دانست از این‌رو که شهرکتاب در این مدت توانسته فضای گفت‌وگو را ایجاد کند.

رضا داوری اردکانی، نیز گفت که اهل کتاب، اهل تعارف و تملق نیستند. اما مرکز فرهنگی شهرکتاب کاری کرده است کارستان. «اگر قدر و منزلت این کار روشن نشده، از این‌روست که ما به فرهنگ و معرفت احساس نیاز نمی‌کنیم. همه علوم عزیز شریف هستند، اما در روزگار ما آنچه نتایج آن به روشنی به چشم می‌آید عزیزتر شده است. محمود دعایی، بااشاره به تاریخچه فعالیت‌های شهرکتاب گفت: «در زمان شهرداری غلامحسین کرباسچی شهرکتاب با مدیریت فخرالدین انوار پایه‌گذاری شد. در سال‌های بعد مهدی فیروزان به مدیرعاملی شهرکتاب انتخاب شدند و یکی از انتخاب‌های خوب وی در شهر کتاب، همکاری علی‌اصغر محمدخانی به معاونت فرهنگی شهر کتاب بود. امروز ما افتخار می‌کنیم که مرکز فرهنگی شهر کتاب هزار برنامه موفق را تقدیم عرصه فرهنگ ایران کرده است.» علی‌اکبر اشعری، عضو هیئت‌انمای شهر کتاب به نقش مردم در ارتقای فرهنگ اشاره کرد و گفت که کار فرهنگی کار دولت‌ها نیست. «اگر قرار است مردم رشد فرهنگی بکنند باید خودشان کار فرهنگی کنند. تا وقتی مردم در عرصه فرهنگ فعال نباشند، جامعه رشد فرهنگی نمی‌کند. در مقطعی کوشیدیم در برخی شهرستان‌ها اداره‌های ارشاد را تعطیل کنیم و کار

همنشینی رنگ‌ها در تابلوی زندگی

خودش گرفت.

لا در نقاشی‌های شما ترکیبی از تذهیب و نقاشی به چشم می‌خورد. چطور به این ترکیب رسیدید؟
نقاشی‌های من ترکیب تذهیب، رنگ و بنه‌جقه است. چند سال قبل با کتاب «بنه‌جقه چیست» آشنا شدم و بعد از مطالعه آن به قدمت و اصالت آن پی بردم. قدمت این نقش‌مایه براساس شواهد و مستندات به بیش از هزار سال برمی‌گردد که الهام‌گرفته از درخت سرو است.

بعد از آن تصمیم به ترکیب این‌نقش‌مایه زیبا و بااصالت با تذهیب گرفتم که خود تذهیب هم اصالت و قدمت بسیاری دارد. در کارهای من به هر سه اینها به یک اندازه بها داده شده؛ یعنی تذهیب به صورت مدرن و سبک و در بیشتر موارد بدون استفاده از قاعده و قانون‌های موجود برای آن طراحی شده، همچنین نقش بنه‌جقه بسیار پررنگ است و توانستم با حفظ اصالت اینها آثار مدرنی را ارائه دهم.

لا نگاره‌هایتان نام‌هایی چون «مقرنس»، «چکاوک»، «زنجیر عشق» و «آهنگ زندگی» نهاده‌اید. این معانی چطور برای شما تجلی بصری یافتند تا شما آن تصاویر را با دیگران به اشتراک بگذارید؟
طرح‌های من از حس درونی من نشئت گرفته که با استفاده از رنگ‌ها به آنها روح بخشیدم. یک هنرمند دنیای اطراف خود را کامی متفاوت می‌بیند و از زیبایی‌های دنیای اطراف خود الهام می‌گیرد. در کارهای من طبیعت نقش مهمی دارد؛ من بعد از گذشت چند سال از آشنایی با این سبک و تسلط نسی روی آن تصمیم گرفتم کارهای جدیدی را خلق کنم که تکراری و تقلید از کارهای قدیمی و سنتی نباشند. بنابراین شروع به طراحی و خلق آثار جدیدی کردم که کمی حالت مدرن به



در نگارخانه آتشراد برگزار شد.

چطور شد که به این طرح‌های سرشار از زندگی رسیدید و آنها را روی بوم و مقوا آوردید؟
همان‌طور که گفته بودم، تذهیب سرشار از رنگ و تنوع است و از نظر من رنگ یعنی خود زندگی. من بعد از گذشت چند سال از آشنایی با این سبک و تسلط نسی روی آن تصمیم گرفتم کارهای جدیدی را خلق کنم که تکراری و تقلید از کارهای قدیمی و سنتی نباشند. بنابراین شروع به طراحی و خلق آثار جدیدی کردم که کمی حالت مدرن به

گزارشی از هزارمین نشست مرکز فرهنگی شهرکتاب

هزارگان شهرکتاب و تاخر فرهنگی



می‌شویم. باید پرسید این مناسک چه‌میزان در فرآیند معرفتی و اخلاقی جامعه ایران اثرگذار بوده است؟ سنجش‌ها و رصدهای میدانی تغییرات عمده‌ای را به ما نوید نمی‌دهد. از این منظر باور دارم ما نیازمند تحول فکری و گفتمانی هستیم در نظام فرهنگی‌مان از منظر عبور از فضایی کمی‌گرایانه به فضای کیفی‌گرایانه، از فضای مناسکی به فضای معرفتی، از سطح به عمق و از تبلیغات و همایش به انسان‌سازی و تربیت انسانی. ما دچار تاخر فرهنگی هم هستیم.» وزیر ارشاد کانون‌هایی هم‌چون شهرکتاب را نماد کانون‌های موفق در برقراری ارتباط معرفتی با جامعه دانست از این‌رو که شهرکتاب در این مدت توانسته فضای گفت‌وگو را ایجاد کند.

رضا داوری اردکانی، نیز گفت که اهل کتاب، اهل تعارف و تملق نیستند. اما مرکز فرهنگی شهرکتاب کاری کرده است کارستان. «اگر قدر و منزلت این کار روشن نشده، از این‌روست که ما به فرهنگ و معرفت احساس نیاز نمی‌کنیم. همه علوم عزیز شریف هستند، اما در روزگار ما آنچه نتایج آن به روشنی به چشم می‌آید عزیزتر شده است. محمود دعایی، بااشاره به تاریخچه فعالیت‌های شهرکتاب گفت: «در زمان شهرداری غلامحسین کرباسچی شهرکتاب با مدیریت فخرالدین انوار پایه‌گذاری شد. در سال‌های بعد مهدی فیروزان به مدیرعاملی شهرکتاب انتخاب شدند و یکی از انتخاب‌های خوب وی در شهر کتاب، همکاری علی‌اصغر محمدخانی به معاونت فرهنگی شهر کتاب بود. امروز ما افتخار می‌کنیم که مرکز فرهنگی شهر کتاب هزار برنامه موفق را تقدیم عرصه فرهنگ ایران کرده است.» علی‌اکبر اشعری، عضو هیئت‌انمای شهر کتاب به نقش مردم در ارتقای فرهنگ اشاره کرد و گفت که کار فرهنگی کار دولت‌ها نیست. «اگر قرار است مردم رشد فرهنگی بکنند باید خودشان کار فرهنگی کنند. تا وقتی مردم در عرصه فرهنگ فعال نباشند، جامعه رشد فرهنگی نمی‌کند. در مقطعی کوشیدیم در برخی شهرستان‌ها اداره‌های ارشاد را تعطیل کنیم و کار

می‌شویم. باید پرسید این مناسک چه‌میزان در فرآیند معرفتی و اخلاقی جامعه ایران اثرگذار بوده است؟ سنجش‌ها و رصدهای میدانی تغییرات عمده‌ای را به ما نوید نمی‌دهد. از این منظر باور دارم ما نیازمند تحول فکری و گفتمانی هستیم در نظام فرهنگی‌مان از منظر عبور از فضایی کمی‌گرایانه به فضای کیفی‌گرایانه، از فضای مناسکی به فضای معرفتی، از سطح به عمق و از تبلیغات و همایش به انسان‌سازی و تربیت انسانی. ما دچار تاخر فرهنگی هم هستیم.» وزیر ارشاد کانون‌هایی هم‌چون شهرکتاب را نماد کانون‌های موفق در برقراری ارتباط معرفتی با جامعه دانست از این‌رو که شهرکتاب در این مدت توانسته فضای گفت‌وگو را ایجاد کند.

رضا داوری اردکانی، نیز گفت که اهل کتاب، اهل تعارف و تملق نیستند. اما مرکز فرهنگی شهرکتاب کاری کرده است کارستان. «اگر قدر و منزلت این کار روشن نشده، از این‌روست که ما به فرهنگ و معرفت احساس نیاز نمی‌کنیم. همه علوم عزیز شریف هستند، اما در روزگار ما آنچه نتایج آن به روشنی به چشم می‌آید عزیزتر شده است. محمود دعایی، بااشاره به تاریخچه فعالیت‌های شهرکتاب گفت: «در زمان شهرداری غلامحسین کرباسچی شهرکتاب با مدیریت فخرالدین انوار پایه‌گذاری شد. در سال‌های بعد مهدی فیروزان به مدیرعاملی شهرکتاب انتخاب شدند و یکی از انتخاب‌های خوب وی در شهر کتاب، همکاری علی‌اصغر محمدخانی به معاونت فرهنگی شهر کتاب بود. امروز ما افتخار می‌کنیم که مرکز فرهنگی شهر کتاب هزار برنامه موفق را تقدیم عرصه فرهنگ ایران کرده است.» علی‌اکبر اشعری، عضو هیئت‌انمای شهر کتاب به نقش مردم در ارتقای فرهنگ اشاره کرد و گفت که کار فرهنگی کار دولت‌ها نیست. «اگر قرار است مردم رشد فرهنگی بکنند باید خودشان کار فرهنگی کنند. تا وقتی مردم در عرصه فرهنگ فعال نباشند، جامعه رشد فرهنگی نمی‌کند. در مقطعی کوشیدیم در برخی شهرستان‌ها اداره‌های ارشاد را تعطیل کنیم و کار

گروه هنر: مراسم تشییع پیکر محمود جهان، هنرمند پیش‌کسوت موسیقی نواحی، صبح چهارشنبه ۱۱ مرداد از تالار وحدت به سمت قطعه هنرمندان بهشت‌زها (س) برگزار شد. در ابتدای این مراسم، اکا صفوی، خواننده گروه موسیقی «لیان»، با برپایی آیین‌های عزاداری بوشهری از جمله شروه‌خوانی، سنج و دمام‌زنی، آیین شروه‌خوانی را برپا کرد. غلامرضا صنعتگر، خواننده، با اشاره به اینکه اخیرا آقای یزدانفر قطعه‌ای را برای محمود جهان ساخته بود که آن را خیلی دوست داشت و اسمش را «خُن» گذاشت بود. گفت: ما امروز نام این قطعه را خداحافظی می‌گذاریم.

سیدمحمد میرزمانی، رئیس هیئت‌مدیره خانه موسیقی، هم گفت: به‌درستی کسی که عاشق باشد از جانشن برای مردم بخواند، چنین بدرقه باشکوهی در انتظارش است. به‌هررتیب زندگی هنری هرکسی با تجربیات

بسیاری همراه است و محمود جهان از جمله هنرمندانی بود که نیم‌قرن تلاش کرد و جدیت او یازند بود. او با اشاره به تولید ۳۰ آلبوم خاطرنشان کرد: فعالیت‌های محمود جهان در عرصه موسیقی ارزشمند بود، اما به اعتقاد من، وی هنرمندی بود که به‌لحاظ انسانی و معرفتی نیز مورد توجه قرار گرفت. او عاشق کارش و حضرت علی (ع) بود و از جمله افرادی بود که با تمام بی‌مهری‌ها، با صبوری، لبخند و محبت، ایستادگی کرد و تلاش‌های بسیار گرانبهائی را در این عرصه انجام داد.

میرزمانی از طرف خانه موسیقی، ضایعه درگذشت زنده‌یاد محمود جهان را تسلیت گفت و برای خانواده‌اش آرزوی صبر کرد.

سال همکاری، از نزدیک مشاهده کرده‌ام که این نهاد چطور با کمترین امکانات کارهای بزرگ انجام داده است. توسعه فرهنگی یعنی ایجاد یک فضا؛ فضایی برای نقد و پرسشگری، فضایی برای تضارب آراء، آرام و دور از فضاهای قبیله‌گرایی جامعه ما. شهرکتاب فضایی ایجاد کرد که جامعه را به سوی کتاب خوانند هدایت کرد. جوانان ما با علاقه به اینجا می‌آیند، کتاب می‌خوانند و بدون نگاه قبیله‌ای درباره کتاب حرف می‌زنند.»

بلقیس سلیمانی از امکان گفت‌وگو در شهرکتاب سخن گفت و اینکه گفت‌وگو جامعه ما خصوصاً در عرصه‌های فرهنگی امری غریب است و به فضای دموکراتیک حاکم در این جلسات اشاره کرد. محمدمهدی اردبیلی نیز کمیت از همبسته کیفیت دانست و گفت: «استمرار جزء لاینفک مقوله فرهنگ است و می‌بینیم که در جامعه ما این استمرار اتفاق نمی‌افتد. شهرکتاب امروز در جایگاهی قرار دارد که به یک نهاد فرهنگی تبدیل شده و مشخصاً مرکز فرهنگی از این وجه‌تسمیه هم استفاده می‌کند. این نهاد فرهنگی به مرحله هزارتایی‌اش رسیده و توانسته از نظر کمی خودش را در بستری در عرصه عمومی فرهنگ بازنمایی کند.»

داوود موسایی، نیز از الگوها گفت، اینکه «الگوها در هر کشور پاسخ یکسان نمی‌دهد. می‌توانم بگویم الگویی که شهرکتاب به آن دست یافته الگویی منحربه‌خود اوست» و به تأثیر شهرکتاب در اقتصاد نشر اشاره کرد. «نشست‌هایی که در شهر کتاب برگزار می‌شود، نقش مهمی در اقتصاد نشر دارد. شمارگان روزنامه‌ها پایین است. تلویزیون هم جز برنامه‌های عبوس برای کتاب برنامه دیگری ندارد و از این‌رو تأثیر نشست‌های هفتگی شهرکتاب محسوس است.»

مجید قیصری، به تاریخ «دهم مرداد» اشاره کرد که در تقویم ادبیات ما مصادف شده با تولد محمود دولت‌آبادی و روز خاک‌سپاری مدیا کانیکر و جشن هزارگان شهرکتاب و گفت: «شهر کتاب در ذهن من ا‌ست. پلی که بین امروز و دیروز ما زده می‌شود و خوشبختانه امروزه شاهدیم که با حرکتی که شروع شده این پل دارد به اقصی نقاط دنیا کشیده می‌شود و بین امروز ما و فردای ما زده می‌شود.» کوروش کمالی سروسستانی، به تاریخ مفهوم فرهنگ پرداخت و اینکه فرهنگ انگاره‌ای است که از پس گذر قرون و در طول تاریخ یک سرزمین یا طرح‌های آشفکار و نهان برای به زیست‌ی انسان‌ها پدیدار آمده است. «افزودن برگی بر آن مباحثات و تفاخوری را برمی‌انگیزد که بقاییش و دوامش تا همیشه و هنوز زیست انسانی ماناست و اینک به‌همدت دانشی‌مردان این خانه فرهنگ، هزارمین برگ بر شانه ستبر فرهنگ این سرزمین افزوده شده.» علی‌اصغر محمدخانی نیز هدف فرهنگ شهرکتاب را برنامه‌ریزی برای آینده خواند. «باید بتوانیم افق‌های دور را ببینیم. برنامه‌ها‌ی ما در این مرکز کوتاهمدت نیست. گفت‌وگو از غایت‌های ما است. بدون همفکری و همدلی، فرهنگ ایران پیش نخواهد رفت.»

محمود جهان در قطعه هنرمندان آرמיד

امید جهان، فرزند زنده‌یاد محمود جهان، هم در سخنانی کوتاه ضمن قدردانی از حاضران در این مراسم بیان کرد: پدرم اصلا دوست نداشت که شما عزیزان اینجا باشید. او همیشه خواهان این بود که مخاطبان موسیقی، شاد و خوشحال باشند. به‌هرحال امیدوارم از این پس بتوانیم در شادی‌ها جیران زحمات شما را بکنیم.

محسن شریفیان سرپرست گروه موسیقی «لیان»، با بیان این‌جمله که محمود جهان، یادآور بسیاری از خاطرات تلخ و شیرین برای همه ماست، گفت: محمود با تمام سختی‌هایی که برای برگزاری و اجرای موسیقی کشید، توانست موسیقی جنوب را حفظ کند. اگر امروز ما در تالار وحدت با هرچای دیگری کنسرت برگزار می‌کنیم، صرفا به دلیل سختی‌هایی است که امسال محمود جهان برای برگزاری کنسرت تلاش کرد و در این مراسم همچنین بخش قطعه «خُن»، به خوانندگی زنده‌یاد محمود جهان، اجرای زنده قطعه «سرگشته»، آکا خوانندگی حسین ششکار و اجرای یک ویژه برنامه موسیقایی از سوی یک گروه موسیقی اجرا شد. حضور هنرمندانی همچون اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر، سیدمحمد میرزمانی، ابوالفضل صادقی‌نژاد، کامران علیشاهی، کامران همت‌پور، غلامرضا صنعتگر، صفر کشکولی، امید جهان و محسن شریفیان در این مراسم باعث تسلی خانواده آن مرحوم بود.



زیر آسمان فیروزه‌ای

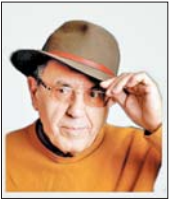
کیهان کلهر و رامبرانت تریوبه صحنه می‌روند



● **گروه هنر:** کیهان کلهر و رامبرانت تریو در روزهای ۱۴ و ۱۵ شهریور در تالار وزارت کشور روی صحنه می‌روند. کیهان کلهر که به‌تازگی تور بزرگ «بردیگان باغ سکوت» را با بیش از ۶۰ کنسرت در شهرهای مختلف ایران برگزار کرده بود، در اواسط شهریور در تالار وزارت کشور به‌همراه این گروه هلندی روی صحنه حاضر می‌شود و قطعاتی را در تلفیق موسیقی شرق و غرب اجرا می‌کند. رامبرانت تریو یکی از معروف‌ترین و معتبرترین گروه‌های موسیقی جز در اروپاست که توانسته تورهای کنسرتی موفقی را در کشورهای مختلف برگزار کند. درحالی‌که کلهر و این گروه هلندی بارها در فستیوال‌های معتبر اروپا به اجرای قطعات موسیقی پرداخته‌اند، این کنسرت اولین‌باری است که کلهر و رامبرانت تریو در ایران روی صحنه می‌روند. همکاری این هنرمند و این گروه از سال ۲۰۱۱ آغاز شده است و به‌زودی آلبومی از یکی از اجراهای مشترکشان در ایران منتشر خواهد شد. بعد از کنسرت تهران، کلهر و رامبرانت تریو در کشورهای مختلف اروپا از جمله هلند، آلمان و بلژیک روی صحنه می‌روند و در روز ۲۹ سپتامبر در باربینگ سنتر لندن که یکی از معتبرترین سالن‌های کنسرت جهان محسوب می‌شود، به اجرای قطعات می‌پردازند. اما مخاطبان ایرانی شناس این را دارند که پیش از ساکنان اروپا این قطعات را برای اولین‌بار در کنسرت تهران بشنوند. رامبرانت فرایش (پیانو)، تونی اورواتر (کنترباس) و وینسنت پلژر (سازهای کوبه‌ای) نوازندگان رامبرانت تریو هستند. بلیت‌فروشی این کنسرت از امروز پنجشنبه ۱۲ مرداد در سایت www.tik8.com آغاز می‌شود و مخاطبان می‌توانند با مراجعه به این سایت برای روزهای یادشده بلیت تهیه کنند.

نمایش مستندی درباره جواد مجابی

«پسرک چشم‌آبی» به آپ‌آرت‌مان می‌رود



● **گروه هنر:** «پسرک چشم‌آبی» روایتی زندگی جواد مجابی، شاعر، نقاش، نویسنده و منتقد ادبی، است، به کارگردانی حسن لطفی. در این فیلم بزرگانی چون محمود دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی و... حضور دارند. این فیلم امروز پنجشنبه، ۱۲ مرداد ساعت ۱۸ در مؤسسه آپ‌آرت‌مان به نمایش گذاشته می‌شود و پس از آن نویسندگان و هنرمندان حاضر درباره جواد مجابی و آخرین کتابش، تاریخ طنز ادبی ایران؛ دوجلدی صحبت خواهند کرد. برای اطلاع بیشتر با شماره ۸۸۸۶۶۷۴۴ تماس بگیرید.

پیام سرگشاده رئیس فرهنگستان هنر درباره ۵۰۰ تابلو و یک ادعا



● **گروه هنر:** محمدعلی معلم‌دامغانی، رئیس فرهنگستان هنر، درباره ۵۰۰ تابلو از آثار هنرمندان بزرگ ایرانی به اهالی فرهنگ و هنر و مسئولان پیام داد. متن پیام به این شرح است: «بام خدا، قابل توجه اهالی فرهنگ و هنر و مقامات مسئول؛ بدین‌وسيله اعلام می‌کند که بیش از پانصد تابلو از آثار نقاشان ایرانی که با تطبیع تأثیرگذاری در مدیران و بعضی از کارمندان به بهانه نمایشگاه و غیره، بدون شناسنامه و سند به خزانه فرهنگستان تحویل شده است، در اختیار این نهاد فرهنگی است. شرکت پارس آریان به سرپرستی آقای امین قفرشی مدعی مالکیت آن است که ادعاست و بایستی اثبات شود. عجالتاً مال، مال‌الله است و متعلق به مردم و میهن اسلامی است (من آنچه شرط بلاغ است). الحمدلله.»

جشن «رستاک» برای روز ایران در اکسپوی قزاقستان

● **گروه هنر:** گروه موسیقی رستاک در روز ملی ایران در نمایشگاه جهانی ۲۰۱۷ قزاقستان قطعاتی از موسیقی مناطق مختلف کشور را روی صحنه می‌برد. به گزارش روابط‌عمومی مؤسسه توسعه هنرهای معاصر، گروه موسیقی رستاک به سرپرستی سیامک سپهری و خوانندگی فرزاد مرادی و بهزاد مرادی به‌همراه دیگر اعضای این گروه، ریزتواری از موسیقی نواحی مختلف ایران را در روز ۱۳ مرداد (روز ملی ایران در اکسپوی قزاقستان) اجرا خواهند کرد. این قطعات از آلبوم‌های گذشته این گروه «سرانی نوروژ» و «همه اقوام من» و همچنین از آلبوم جدید «میان خورشیدهای همیشه» انتخاب شده است.